

## سخنی ماه



آقای مهندس خاموشی در سمینار کشورهای شمال آفریقا:

### کشورهای شمال آفریقا دروازه نفوذ ایران به قاره عظیم

### آفریقا تلقی میشوند

سمیناری در مورد کشورهای عرب زبان - خاصه کشورهای شمال - قاره آفریقا در وزارت امور خارجه تشکیل شد. در این سمینار یکروزه، آقای مهندس علی نقی سید خاموشی رئیس اتاق ایران سخنرانی جامعی درباره کشورهای شمال آفریقا ارائه دادند. از آنجا که این سمیناری در مورد کشورهای عرب زبان - خاصه کشورهای شمال آفریقا در وزارت امور خارجه تشکیل شد. در این سمینار یکروزه، آقای مهندس علی نقی سید خاموشی رئیس اتاق ایران سخنرانی جامعی درباره کشورهای شمال آفریقا ارائه دادند. از آنجا که این

سخنان خود اظهار داشت: تشکیل سمینار بررسی روابط ایران و کشورهای شمال آفریقا فرصت بسیار مغتنمی پیش آورد. بناگاه می هر چند کوتاه، ولی همه جانبه، به یکی از مهمترین مناطق قاره های جهان که بی تردید از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت درجه اول میباشد، بیاندازیم. من بعنوان نماینده جامعه اقتصادی کشور، برپائی این سمینار را به شخص جناب آقای دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه و همکاران گرامیشان که در برگزاری این سمینار نقش اساسی داشته اند، بخاطر این ابتکار و زحماتی که متقبل شد ماند، تبریک گفته و تشکراتم را تقدیم میدارم.

سخنانم را به شناخت اجمالی - ساختارها و شاخصهای مهم اقتصادی کشورهای شمال آفریقا یعنی مصر - لیبی - تونس - الجزایر و مراکش و مقایسه این شاخصها با شاخصهای مربوط به کل جهان و شاخصهای کل آفریقا اختصاص میدهم چنانچه مقایسه های میتواند در شناخت مساز کشورهای قاره های کهنی شک درآیند. اقتصاد وسیع جهانی تا ثیرات شگرفی خواهد داشت و میتواند بعنوان یک پایگاه اساسی برای پیشرفت دنیای اسلام محسوب شود. کمک نماید. اگرچه آمارها و شاخصهای اجتماعی و ساختار سیاسی این کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است و در واقع از شاخصهای اقتصادی جدا نیست، ممهذانه فرصت و نه موضوع سخنرانی اینجانب اجازه میدهد که وارد این مباحث شویم. احتمالاً " دیگر سخنرانان محترم در این زمینه ها سخن خواهند گفت. جمعیت و مردم ناطق پس از این مقدمه کوتاه وارد بحث اصلی شد و افزود:

از کل حدود ۵ میلیارد ۵۶۷ میلیون نفر مردم کره جهان در سال ۱۹۹۳، تعداد ۶۸۲ میلیون و ۷۵۱ هزار نفر یعنی نزدیک به یک هشتم مردم جهان در قاره آفریقا زندگی میکنند. در حالیکه وسعت قاره آفریقا حدود یک چهارم خشکیهای کره زمین است. به این ترتیب بنظر میرسد که تراکم جمعیت در قاره آفریقا باید حدود نصف متوسط تراکم جمعیت جهان باشد. در واقع این فرض چند انهم دور از واقعیت نیست. بدان معنی که تراکم متوسط جمعیت جهان ۱۰۳ نفر در هر مایل مربع است و در قاره آفریقا این تراکم ۵۵ نفر است. اگر در نظریه و ریم که متوسط رشد سالانه جمعیت جهان ۱/۸ درصد و در قاره آفریقا ۳ درصد است، به این نتیجه میرسیم که در حالیکه جمعیت جهان هر ۷۰ سال دو برابر میشود جمعیت آفریقا هر ۲۴ سال دو برابر میگردد. یعنی زود تر از آنکه تصور شود آفریقا تراکم جمعیت خود را به تراکم متوسط جهانی میرساند و سپس از آن پیشی بگیرد و این برای قاره های که قسمت اعظم آنرا از شمال به جنوب و از شرق به غرب یگزاروبیا بانهای خشک ویا جنگلهای استوائی تشکیل میدهد، میتواند مسأله فرین باشد. نه فقط برای آفریقا، بلکه برای سراسر جهان آیند. این امریکساله بشمار میرود. حال ببینیم در قبال این مسأله وضع کشورهای شمال آفریقا - یعنی کشورهای مورد بحث این سمینار چگونه است: از ۶۸۲ میلیون و ۷۵۱ هزار نفر جمعیت آفریقا در ۱۹۹۳ حدود ۱۲۴ میلیون و ۸۶ هزار نفر آنها در کشور مصر - لیبی - تونس - الجزایر و مراکش زندگی میکرد ماند. یعنی بیش از یک پنجم جمعیت آفریقا در جنوب دریای

مدیترانه و گوشه‌های از ساحل شرقی اقیانوس اطلسی زندگی میکنند. همهٔ این کشورها از نعمت دسترسی بسه دریا‌های آزاد برخوردارند درحالیکه قسمت اعظم از ۶۵ کشور قارهٔ آفریقا به دریا راه ندارند. اما کشورهای حاشیه جنوبی مدیترانه تقریباً "بجز حاشیهٔ بسیار باریکی در بعضی از این کشورها - از داشتن آب و هوای مدیترانه‌ای - که معتدل ترین وضع جوی کرهٔ ارض شناخته‌شد محرومند. گوئی طبیعت همهٔ اعتدال هوا و رطوبت این دریای عظیم را به قسمت شمالی آن اعطا کرده است. در بسیاری مدیترانه‌ها داشتن تنگه‌های گبیرالتار - بین اسپانیا و مراکش - سیسیلی - بین تونس و جزیرهٔ سیسیل - داردانل و بسفور - بین قسمت اروپائی و آسیائی، ترکیه - در بادی مرصوص در ریای بستهای بنظر میرسد. اما این تنگه‌ها سالها باعث جنگ و خونریزی بین ملتها بر سرق عبور کشتی‌ها بود ما ست. کانال سوئز را هم که بحر ارمز به مدیترانه می پیوندد، باید در این ردیف محسوب داشت متوسط رشد سالانه جمعیت ۵ کشور مورد بحث کمتر از متوسط رشد جمعیت کل قارهٔ آفریقا میباشد. به این معنی که در مقابل ۳ درصد رشد متوسط سالانه آفریقا، جمعیت ۵ کشور مذکور ۴/۲ درصد میباشند که به این ترتیب تفکیک میشود: لیبی ۳ درصد، الجزایر ۵/۲ درصد، مصر ۳/۲ درصد، مراکش و تونس هر یک ۱/۲ درصد. تراکم جمعیت در کشورهای شمال آفریقا از رقم متوسط قاره که ۵۵ نفر در هر مایل مربع میباشد، بسیار بیشتر و بطور متوسط معادل ۶/۹۱ درصد میباشد که در این میان بالاترین درجه تراکم جمعیت در اربار رقم ۱۵۲ نفر در مایل مربع مراکش دارد و در رقم بعدی متعلق به مصر است که ۱۴۱ نفر

## ● باید با کشورهای شمال آفریقا روابط حسنه برقرار کنیم.

## ● از مسائل کوچک و بی اهمیت باید چشم پوشی کرد و به منافع بلند مدت اندیشید.

## ● فرصتهای گرانبهای خود را صرف همکاری و توسعه کنیم نه خصومت و دشمنی.

## ● دشمنان قسم خورده اسلام از هیچ چیز به اندازه اینکه کشورهای اسلامی با خود و با یکدیگر در جنگ و ستیز باشند خوشحال نمیشوند.

## ● ایجاد یک خط کشتیرانی مشترک با کشورهای شمال آفریقا میتواند در توسعه دادوستد و همکاریهای اقتصادی فیما بین بسیار مؤثر باشد.

## ● باید بین ایران و کشورهای شمال آفریقا پروازهای مرتب هفتگی برقرار گردد.

## ● باید برای هر یک از کشورهای قارهٔ آفریقا سمینارهای تک کشوری تشکیل دهیم تا بیشتر یکدیگر را بشناسیم و با امکانات هم آشنا شویم.

است. سومین مقام را با ۱۲۱ نفر تونس دارد. مقام بعدی متعلق به الجزایر با ۲۸ نفر است و در لیبی فقط ۶ نفر در هر مایل مربع (بطور متوسط) ساکن هستند. میدانیم که خاک لیبی و الجزایر را عمدتاً "صحرای وسیع بی آب و علف تشکیل میدهد.

## توسعهٔ شهرنشینی

به دلیل ناسازگاری طبیعت در

درصد است. طبعاً "درصد شهرنشینی در کشورهای نیکه در محاصرهٔ صحرا هستند بیشتر از سایر نقاط است مثلاً" در لیبی ۷ درصد، در تونس ۵۴ درصد در الجزایر ۴۸ درصد، در مراکش ۴۶ درصد و در مصر ۴۹ درصد مردم در شهرها ساکن هستند. در حقیقت اکثر قریب به اتفاق مردم مصر در حاشیه رود نیل زندگی میکنند و کشاورزان مصری از نظر سخت کوشی و قناعت مردمی نمونه‌ها شمار میروند. تا قبل از جنگ عراق و کویت حدود ۲/۵ تا ۳ میلیون کشاورز مصری در عراق زندگی میکردند و ما زاد درآمد خود را برای خانواده‌ها تا بین آتی میمصرف میکردند که این درآمدها جمعاً مبلغ قابل توجهی از درآمد ارزی سالانه مصر را تشکیل میداد که رقم آن در برخی از سالها به ۴ میلیارد دلار نیز میرسید، یعنی معادل درآمد توریستی مصر در سالهای آرایش. به این ترتیب میتوان اهمیت نیروی کار در خارج از مرزهای ملی را برای اقتصاد ملی دریافت. (البته سودا و ارز ناشی از درآمد حاصل از کار نیروی انسانی به "کشور مادر"، شرایط خاصی را می‌طلبد که بحث دربارهٔ آن از حوصلهٔ این گفتار خارج است. لیکن بهر صورت سرمایه‌عام از ملی یا خارجی جانی می‌رود که از امنیت لازم برخوردار باشد).

## تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی ۵ کشور مورد بحث در سال ۱۹۹۱ معادل ۱۴۷ میلیارد و ۳۰۳ میلیون دلار بود ما ست که با توجه به جمعیت این کشورها سرانه‌ای معادل ۱۹۰۴ دلار میشود، و از رقم متوسط جهانی که ۳۸۴۵ دلار در سال است برتر است. اما از بسیاری از

کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بیشتر است. برای مثال تولید ناخالص سرانه متوسط کل قاره آفریقا فقط ۱۶ دلار برآورد شد است. سهمی که از درآمد ناخالص ملی این کشور به مصرف تسلیحات و موارد فاعلی میرسد بطور متوسط ۶/۷ درصد است در حالی که رقم متوسط جهانی ۱/۴ درصد و رقم متوسط قاره آفریقا ۴/۶ درصد است. در این میان لیبی با هزینه کردن رقم ۱۱/۱ درصد از تولید ناخالص ملی خود درآمد فاعلی تریه اول و مصر با رقم ۹/۲ درصد تریه دوم درآمد کمترین رقم مربوط به الجزایر یعنی فقط ۳ درصد است. لیکن احتمالاً این رقم در حال حاضر بعلافت اغتشاشات روزمره در این کشور که فربانی مطامع امپریالیسم جهانی شده، بالا رفته است.

## توریسم در شمال آفریقا

از کشورهای مورد بحث مصر - مراکش و الجزایر و تونس از مناطق توریستی معروف بود و اغلب سیاحتی که به شمال مدیترانه میرفتند به کشورهای جنوبی این دریا نیز مسافرت میکردند، بخصوص مصر که از حیث غنای آثار باستانی در ردیف بالای چند کشور دارای تاریخ تمدن چند هزار ساله، قرار دارد و مراکش که بخاطر همسایگی با کشورهای توریستی اسپانیا و پرتغال سهمی از سیاحتان این دو کشور و جهانگردانی که با این کشورها می آیند به خود اختصاص داده است. معهدا در سالهای اخیر کمپنیهای ملی خواستار حکومت اسلامی در این کشورها قدرت گرفت و دست به اقداماتی علیه دولتهای خود زد و مانند نینزی بعلست مدخلات تفرقه اندازانها بر قدرت آنها در این منطقه، درآمد توریستی کشورهای مذکور بشدت تریه کاهش گذاشته است.

در سال ۱۹۸۸ تعداد ۱ میلیون و ۹۸۷ هزار نفر توریست وارد این کشور شد و ۳ میلیارد و ۵۸۶ میلیون دلار خرج کرد و مانند در حالیکه در سال مذکور تعداد توریستهای جهان ۴۰۹ میلیون و ۴۱۴ هزار نفر و درآمد توریستی جهان بالغ بر ۲۰۷ میلیارد و ۱۷۷ میلیون دلار بوده است. درآمد توریستی مصر که سابقاً "از ۴ میلیارد دلار در سال تجا و زمیکرد در سال مذکور فقط به یک میلیارد و ۶۶۰ میلیون دلار رسید و مراکش یک میلیارد و ۱۴۶ میلیون دلار درآمد توریستی داشت و الجزایر فقط ۱۳۴ میلیون دلار از این طریق بدست آورد. این ارقام در سالهای اخیر احتمالاً "بمراتب کاهش یافته زیرا یکی از اهداف مسلمانان پیکارگر، حمله به فهای توریستی است که هم جنبه مبارزه با بیگانگان ضد مسلمان را بخود گرفته و هم جنبه حمله به آمد های دولتهایشان برای تسلیم آنها به قبول حکومت اسلامی، دارد. در این مرحلهمن فقط مسائل را چنانکه تشخیص میدهم با کمک آمار و ارقام تشریح میکنم و از هرگونه اظهار نظری پیرامون آنها خودداری مینمایم تا در جمع بندی نهائی نظرات شخصی خود را ابراز دارم

## تولیدات اقتصادی

اینکه میرسیم بهمسأله تولیدات اقتصادی کشورهای مورد بررسی؛ از کل ۹۸۷۱ میلیارد و ۷۸۸ میلیون کیلو وات ساعت برق تولید شد در جهان طی سال ۱۹۹۸ معادل ۷۹ میلیارد و ۳۷۹ میلیون کیلووات ساعت آن مربوط به کشورهای مورد بررسی بود (رقم مربوط به کل قاره آفریقا معادل ۲۹۴ میلیارد و ۹۴۲ میلیون کیلووات ساعت

است). آمار از ذخایر زغال سنگ کماز چند کشور مورد بحث در دست است نسبت به ارقام جهانی رقمی بسیار ناچیز و در مورد کشورهای مصر - مراکش و الجزایر معادل ۱۴۱ میلیون تن متریک برآورد شد است که از آن در سال ۱۹۸۹ فقط ۶۴۸ هزار تن متریک استخراج شده است.

اگر ذخایر زغال سنگ کشورهای مورد بررسی قابل ملاحظه نمیشد، در عوض از نظر ذخایر گاز طبیعی، منطقه ای بسیار پر ثروت محسوب میشود. از ۷۷۲۱۵ میلیارد متر مکعب ذخایر گاز طبیعی جهان نزدیک به ۵۰۰ میلیارد متر مکعب آن مربوط به کشورهای شمال آفریقا است.

تولید گاز طبیعی کشورهای مذکور در سال مورد بحث ۶۲ میلیارد و ۵۶ میلیون متر مکعب برآورد شد که در آن میان الجزایر با تولید ۴۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون متر مکعب مقام اول و مصر با ۶ میلیارد متر مکعب مقام دوم را داشت. از ۸۷۳ میلیارد و ۴۴۴ میلیون بشکه برآورد ذخایر نفت خام جهان در ۱۹۹۰، معادل ۳۸ میلیارد و ۱۳۴ میلیون بشکه مربوط به کشورهای شمال آفریقا بود که در آن میان لیبی با ۲۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون بشکه مقام اول و الجزایر با ۹ میلیارد و ۲۳۰ میلیون بشکه، مقام دوم را داشته است. مقام بعدی متعلق به مصر با ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون بشکه است. تقریباً "یک هفتم تولید جهانی نفت خام در اختیار کشورهای پنجگانه شمال آفریقا بود است.

## سهم آفریقا در تولید

### جهانی الماس

تولید جهانی الماس در سال ۱۹۸۹ برابر ۸۳ میلیون و ۱۵۰ هزار قیراط بود که کمیش از نیمی از آن یعنی ۴۶ میلیون و ۱۸۰ هزار قیراط آن در قاره آفریقا تولید شد است. همچنین از ۱۵۶۳ تن متریک تولید جهانی طلا در سال مذکور، نزدیک به نیمی از آن یعنی ۳۵۶ تن متریک آن در قاره آفریقا تولید شد است که عمدتاً "در آفریقای جنوبی بود و هم تا سافانا راقم مربوط به کشورهای شمال آفریقا در دست نیست اما حاکی از ثروت عندی قارهای است که عملاً "کشورهای شمال آفریقا در مد نظر قرار داد ما میم. از نزدیک به ۵/۹۰ میلیون تن بوکسیت سالانه جهان، بیش از ۷۰ میلیون تن آن در آفریقا تهیه میشود که قسمتی از آن متعلق به الجزایر است، لیکن متأسفانه آمار دقیق تولیدات این کشور در دست نیست. تولید جهانی آهن در ۱۹۸۹ معادل ۸۷۶ میلیون تن بود که از آن میان تولیدات ۴ کشور از کشورهای شمال آفریقا کماز آن نهاد در دست است؛ معادل ۶ میلیون تن برآورد شده که بیش از نیمی از این رقم مربوط به کشورهای الجزایر بوده است.

از بیش از یک میلیارد تن سیمان جهان در سال مذکور، ۲۶۰ میلیون تن آن متعلق به کشورهای مورد بحث میباشد (و یادگفت در آن سال ایران با بیش از ۱۳ میلیون تن تولید به تنهائی معادل نصف تولیدات کشورهای مذکور تولید داشته است). سایر تولیدات اساسی از جمله محصولات اولیه مورد نیاز صنایع حاصل از کشاورزی در کشورهای مذکور چندان درخور توجه نبود است. اینک که یک تصویر کلی و یک شمسه

اجمالی از وضع اقتصادی کشورهای شمال آفریقا بدست دادیم نگاهی به روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با این کشورها

خواهیم داشت .

## روابط بازرگانی ناچیز

متأسفانه روابط بازرگانی ما با ایسـن کشورها بقدری اندک است که درخـور ذکر نیست اما از آنجا که این سـمینار در جهت توسعه روابط همجانبه با کشورهای مورد بحث، رسالتی بعهده دارد، لازم است یادآور شوم در سال ۱۹۹۳ ایران فقط از ۳ کشور ذیل وارداتی به این شرح داشته است :

از مراکش (مغرب) ۶۹ میلیون دلار که معادل ۱۲ درصد واردات کشور بوده است، از مصر ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار که معادل دو هزارم درصد از واردات و از تونس نیز ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار که معادل دو هزارم درصد از واردات ایران بوده .

## صادرات ایران

در زمینه صادرات به این کشورها فقط به ۴ کشور مقدار ناچیزی کالا صادر کردیم که ما به همین شرح بوده است : به تونس معادل ۵ میلیون دلار که یعنی برابر ۱۴ صدم درصد صادرات، به لیبی ۵۰ هزار دلار که معادل ۲۲ هزارم درصد صادرات کشور در سال ۷۳ میلادی و به مراکش (مغرب) ۱۱۴ هزار دلار که معادل ۳ هزارم درصد صادرات کشور بوده است .

اقدام صادراتی به تونس بترتیب اهمیت عبارت است از گل گوگرد - پسته کشمش - قالی و قالیچه - دستاف - زعفران و ۱۲ دستگاه بخاری نفتی . اقدام صادراتی به لیبی متنوع تر بوده، لیکن مبالغ آنها بسیار ناچیز بوده است که در آن میان میتوان از قطعات و سائط نقلیه (بمازش ۵۲۷ هزار دلار)

قالی و قالیچه دستاف - انواع کتیرا - صغهای گیاهی و داروهای گیاهی - ظرف شویی و وان حمام و کشمش نام برد . صادرات به مصر را پسته - الیاف پلی استر - زیره کشمش و قالیچه دستاف تشکیل میداده است .

به مراکش (مغرب) زیره - کشمش - مقدار کمی پسته، قالی و قالیچه - دستاف و لوازم خانگی صادر شد ما ست

## واردات به ایران

وارداتمان از تونس منحصر به اسید فسفریک بوده است .

از مصر هشت قلم کالا وارد کرده ایم که مهمترین آن نخ مرسریز نشده و تاید بوده است . از مراکش (مغرب) شش قلم کالا وارد کردیم . بطور کلی ۶۹ میلیون دلار واردات از این کشور مرکب از انواع کودهای شیمیائی از ته و فسفره و فسفات - اسید فسفوریکی و کبوسو جوال برای بستهبندی بوده است .

## پیشنهادهات

در اینجا با عرض پوزش از حضار محترم که با صبر و حوصله عرایض من که سرشار از آمار و ارقام - و طبعاً " خسته کننده بود، گوش دادند به نتیجه گیری کلی بپردازم :

یکم - شناخت ما از کشورهای مورد بحث بسیار اندک است . زیرا آمار و ارقام به تنهایی کافی نیست . مسأله شناخت ساختارهای اجتماعی - روحیه و باورها و عرف زندگی و رجحان مردم و جامعه شناسی و مردم شناسی - آنهم در بین مردمی که مسلمان - عرب و سالیها مستعمره انگلیس یا فرانسوی بوده اند و بیعت رفت و آمدهای جهانگردان، بهر صورت با بیگانگان مخلوط شد ما ند بسیار مهم است .

دوم - کشورهای مورد بحث دروازه نفوذ به قاره آفریقا تلقی میشوند و نخستین گام باید ایجاد حسن رابطه و جلب اعتماد ز ما مداران و مردم این کشورها باشد . ما باید از حساسیت - نشان دادن در مورد مسائل غیر اصولی تحقیر و لنینها و مردم این کشورها - بهره ریزیم و منافع بلند مدت را فسادای حوادث گذران - که یگروژه فراموش میشود - نکنیم .

باید خود قبول کنیم و به مسئولان کشورهای مورد بحث نیز با منطق و مذاکرات دوستانه مقبول کنیم کمزورت - امکانات و فرصتهای گرانبهای خود را صرف گسترش خصوصیت با یکدیگر نکنیم . همه ما باید منابع مالی محدود خویش را صرف امور مثبت، سازنده و توسعه تفاهم و همکاری با یکدیگر کنیم و یگذا ریم دشمنان قسم خورده ما پول و امکانات نشان را صرف تبلیغات منفی کنند . متأسفانه بسیاری از کشورهای اسلامی دشمن مشترک را فراموش کرده و حتی با آن دوستی برقرار میکنند و در مقابل به خصوصت ما برادران دینی خود پرداختانند . البته تا کیده میکنم که باید مراقب تهدیداتی که علیه کشورمان میشود باشیم، لیکن باید هوشیار باشیم که تهدیدات اقتصادی قطع کردن یا کاستن و حتی جلوگیری از توسعه همکاریهای اقتصادی و فنی ما با دیگران، بسیار مهمتر از جدالیهای لفظی است .

سوم - باید ارتباط خود را با کشورهای مورد بحث مستحکم سازیم و با آنها که رابطه سیاسی نداریم در صورت امکان و با حفظ اصول، روابط خود را تجدید کنیم . خوشبختانه بعضی مشکلات که ما مصدر داشتیم حل شد و این کشور وارد جرگه همکاریان اقتصادی ما شد ما ست . در نظر داشته باشیم

دشمنان سوگند خورده ما از هیچ چیز به اندازه اینکه ما با کسانیکه میتوانیم با آنها دوست و همکار باشیم، خصومت بورزیم شادمان نمیشوند .

چهارم - باید با مذاکره با کشورهای مورد بحث یک خط کشتیرانی مشترک که عمدتاً " بین دریای مدیترانه، بحر احمر و خلیج فارس و اقیانوس هند حرکت کند، ایجاد نماییم .

پنجم - استقرار پروازهای مرتب هفتگی بین کشور ما و کشورهای شمال آفریقا بسیار مفید است و میتواند قسمتی از تور بیستهای کشورهای پنجگانه مذکور را نیز به ایران جلب نماید . این پروازها ممکن است و شاید بهتر است، از طریق ایجاد شرکتی مختلط چند ملیتی صورت گیرد .

ششم - شرکت در نمایشگاهها - برپائی نمایشگاههای اختصاصی و ایجاد فروشگاههای دائمی در کشورهای مذکور بسیار مفید است . باید توجه داشته باشیم که اعراب بسیار حساس هستند و زود برافروخته میشوند . باید دست به کارهای نزنیم که احساسات آنها را جریحه اندازیم .

هفتم - سمینار حاضر - یک سمینار منطقی است و جا دارد برای شکافتن مسائل خاص هر یک از کشورهای مورد بحث، سمینارهای تک کشوری تشکیل شود تا بتوان بیشتر به شناخت آنها پرداخت .

